

Presenting the Active Energy Diplomacy Model of Iran and China for the Development of Economic Relations

Abuzar Emdadi Belgouri¹, Ali Bijani^{2*}, Mohammad Akhbari³

Received: 2025/07/04

Accepted: 2025/08/20

Research Article

Abstract

In order to gain its economic and political independence from Western countries, Iran needs to establish strategic energy relations with valuable partners. These partners must have their national interests directly aligned with Iran's national interests through ensuring energy security. Therefore, it is important and necessary to employ appropriate strategies aimed at providing the country with the conditions for developing economic relations through active energy diplomacy. Because the Islamic Republic of Iran, in terms of having a privileged geographical position, can play a valuable role in the transit of goods and energy, at the same time, China has put forward a plan called the One Belt One Road Initiative, which has various economic, political, security, and even cultural dimensions. Therefore, relying on qualitative research methods, such as observation and analysis of documents, the central question of the research is raised as follows: "How can the conditions for the development of economic relations be provided for the country through an active energy diplomacy with China?" The findings of the research show that Iran's tendency to develop economic relations with China and participation in the said plan, in addition to providing a suitable breathing space for the country, can be a solid foundation for increasing economic relations with the nations of the BRICS group, especially China and also connecting to global markets and strengthening Iran's political activism in the regional and international arena and reducing the economic and extra-economic effects of sanctions, including neutralizing the efforts to degrade the advantages of the political geography of the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Energy Diplomacy - Economic Relations - One Belt - One Road Initiative - Iran and China - Geo-Economy

Emdadi Belgouri, A., Bijani, A., & Akhbari, M. (2025). Presenting the Active Energy Diplomacy Model of Iran and China for the Development of Economic Relations. *Journal of Political and International Research*, 17(64), pp.17-32.

¹ Ph.D. Candidate in Political Geography, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

² Assistant Professor of Political Geography, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

³ Associate Professor of Political Geography, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.



ارائه الگوی دیپلماسی انرژی فعال ایران و چین در جهت توسعه مناسبات اقتصادی

ابوذر امدادی بلگوری^۱، علی بیژنی^{۲*}، محمد اخباری^۳

مقاله پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸
--------------	---

چکیده

کشور ایران با هدف کسب استقلال اقتصادی و سیاسی خود نسبت به کشورهای غربی، نیازمند ایجاد روابط راهبردی در زمینه انرژی با شرکای ارزشمند است. این شرکا باید منافع ملی‌شان از طریق تأمین امنیت انرژی به‌طور مستقیم با منافع ملی ایران همسو باشد. بنابراین بکارگیری راهبردهای مناسب با هدف فراهم نمودن شرایط توسعه مناسبات اقتصادی برای کشور از طریق یک دیپلماسی انرژی فعال امری مهم و ضروری است. چرا که جمهوری اسلامی ایران به لحاظ برخورداری از موقعیت جغرافیایی ممتاز، می‌تواند نقش ارزنده‌ای را در ترانزیت کالا و انرژی ایفا کند؛ در عین حال، کشور چین طرحی را با نام ابتکار یک کمربند- یک راه را که دارای ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی - امنیتی و حتی فرهنگی می‌باشد مطرح کرده است. لذا، با اتکا به روشهای کیفی پژوهش، همچون مشاهده و تحلیل اسناد، پرسش اصلی تحقیق اینگونه مطرح می‌شود که "چگونه می‌توان شرایط توسعه مناسبات اقتصادی را برای کشور از طریق یک دیپلماسی انرژی فعال با چین فراهم نمود؟" یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گرایش ایران به توسعه مناسبات اقتصادی با چین و مشارکت در طرح مذکور علاوه بر اینکه می‌تواند فضای تنفسی مناسبی را برای کشور فراهم کند می‌تواند زیر بنای محکمی برای افزایش مناسبات اقتصادی با کشورهای گروه بریکس بویژه چین و همچنین متصل شدن به بازارهای جهانی و تقویت کنشگری سیاسی ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی و کاهش آثار اقتصادی و فرا اقتصادی تحریم‌ها از جمله بی‌اثر ساختن تلاش‌ها برای تنزل مزیت‌های جغرافیایی سیاسی جمهوری اسلامی ایران باشد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی انرژی؛ مناسبات اقتصادی؛ ابتکار یک کمربند یک راه؛ ایران و چین؛ ژئواکونومی

امدادی بلگوری؛ ابوذر، بیژنی؛ علی، اخباری؛ محمد (۱۴۰۴). ارائه الگوی دیپلماسی انرژی فعال ایران و چین در جهت توسعه مناسبات اقتصادی. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۶۴، صفحات ۳۲-۱۷.

^۱ دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ استادیار جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). bijani350@yahoo.com

^۳ دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

طرح مساله

محیط جغرافیایی ایران هر چند به صورت بالقوه یک مزیت و فرصت ویژه و کم نظیر به شمار می‌رود اما همین فرصت در صورت عدم مدیریت کافی و بهره‌گیری بهینه از آن از یک سو و بکارگیری هر چه سریع‌تر نقشه‌های اقتصادی رقبا در حوزه انرژی، ترانزیت و خطوط لوله، تبدیل به یک تهدید برای ایران می‌شود. در این میان، دیپلماسی انرژی^۱ و بهره‌گیری از کارشناسان خبره و متخصص در این حوزه، بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. قاعدتاً نام بردن از دیپلماسی انرژی بدون واکاوی و برشمردن عناصر تحکیم کننده آن، یک مسئله‌ی انتزاعی است. این امر هنگامی میسر می‌شود که بتوان هم دیپلماسی انرژی را تعریف کرد و هم، چیرستی آن را کنکاش نمود و هم اینکه چالش‌ها، محدودیت‌ها، الزامات و راهبردهای عملیاتی سازی آن را تشریح نمود. در گستره جهانی، کمبود منابع انرژی غیرقابل تجدید و نامتوازن بودن توزیع جغرافیایی آن‌ها، در کنار افزایش فزاینده اهمیت استراتژیک انرژی، طی سده‌ی اخیر، موجب شده که بررسی چگونگی تعامل انرژی با سیاست خارجی کشورها، به یکی از اولویت‌های اصلی نهادهای تصمیم‌ساز سیاسی و اقتصادی در کشورهای دارنده‌ی این منابع تبدیل شود. امروزه دیپلماسی انرژی، بخش جدایی ناپذیری از استراتژی امنیت ملی کشورها و برنامه‌های توسعه‌ای آنهاست و در خدمت تأمین منافع ملی قرار دارد.

از طرفی، دیپلماسی انرژی در قیاس با گذشته، شکل به مراتب پیچیده تری پیدا کرده است و شناخت آن مستلزم ارائه تحلیل‌های پویا و چند بعدی از شرایط است. از همین رو، بسیاری از کشورها نظیر ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، ژاپن، روسیه، چین و هند اقدام به تدوین استراتژی بلند مدت انرژی و ذیل آن استراتژی‌های لازم برای تحقق دیپلماسی انرژی کرده اند. بنابراین شناسایی و درک جایگاه دیپلماسی انرژی به عنوان مجموعه‌ای پیوسته از سیاست‌ها و راهکارهای عملیاتی در حوزه‌های سوخت‌های اولیه (نفت و گاز) و مصارف انرژی (برق) در چارچوب سیاست خارجی ایران مستلزم فهم الگوهای تعامل و شکل‌دهی مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی میان دولت‌ها و ملت‌ها است. به همین دلیل، پیچیدگی‌های هم‌زمان مشارکت بازیگران اقتصادی و سیاسی و تأثیرشان بر معماری نظام جهانی معاصر، نیازمند آگاهی عمیق‌تری است. به علاوه، اثبات این دیدگاه که درهم‌تنیدگی سازوکارهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی در عرصه سیاست خارجی موجب خلق قدرت اقتصادی و فراهم‌سازی فرصت‌های توسعه ملی می‌شود نیازمند بررسی دقیق‌تر و واکاوی جزئی‌تر است. واکاوی‌ای که نیاز دارد با حساسیتی مضاعف به اجزاء و مؤلفه‌های آن پرداخته شود. چرا که در سال‌های اخیر با توجه به تحولات بازار بین‌المللی و تغییرات سیاسی اقتصادی در ساختارهای اقتصادی و سیاسی بین‌الملل، ظرفیت دیپلماسی انرژی به عنوان یک راهبرد کلیدی مورد توجه قرار نگرفته است.

لذا ضرورت دارد بر اساس تحولات صورت گرفته در مقیاس بین‌المللی ضمن تغییر رویکرد سنتی به رویکرد جدید در حوزه دیپلماسی انرژی از ظرفیت انرژی به عنوان یک اهرم مهم و کارآمد در راستای پیشبرد منافع اقتصادی و سیاسی، مورد توجه قرار گیرد. لذا پژوهش حاضر، سعی دارد با روشی توصیفی - تحلیلی به این سوال اصلی که "چگونه می‌توان از طریق ارائه الگوی دیپلماسی انرژی فعال با چین، شرایط توسعه مناسبات اقتصادی را برای کشور فراهم نمود؟" پاسخ دهد. فرضیه‌ای را که برای پاسخگویی به سوال فوق در صدد تحلیل آن هستیم این است که ایران با بکارگیری یک دیپلماسی انرژی فعال و زمان‌شناسی درست می‌تواند شرایط مناسبی را جهت توسعه مناسبات اقتصادی با کشورها و مناطق پیرامون خود بخصوص چین فراهم نموده که این امر، سبب ارتقای جایگاه اقتصادی ایران در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز خواهد شد.

۱- پیشینه پژوهش

ابراهیم متقی در فصلنامه دیپلماسی انرژی ایران که در سال (1390) توسط موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی به چاپ رسیده است عنوان می‌دارد که کشورهایی همانند ایران با داشتن موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک مناسب که امکان دسترسی به

منابع منطقه ای را دارا بوده و از قابلیت لازم برای ارتباط با بازارهای مختلف اقتصادی برخوردارند، قادر به ایفای نقش مهم و تعیین کننده ای در ارتباط با دیپلماسی انرژی خواهند بود. لذا تعیین سیاست های انرژی مناسب که تامین کننده منافع ملی کشور باشد می بایست سرلوحه کار دولتها قرار گیرد.

«بایسته‌های دیپلماسی انرژی ایران در نظام اقتصاد سیاسی بین‌الملل» به قلم اکبر صادقی؛ سید جلال دهقانی فیروزآبادی و هادی آجیلی (۱۳۹۷)، بر این امر تاکید دارد که دیپلماسی انرژی را می‌توان بخشی از سیاست کلان انرژی ایران در دوران‌های مختلف دانست. این امر زمینه‌های لازم را برای حفظ و افزایش سهم ایران در بازار اقتصاد جهانی فراهم می‌آورد. آنها در مقاله‌شان تلاش می‌کنند تا موضوع دیپلماسی انرژی را به عنوان یکی از ضرورت‌های رفتار راهبردی ایران مورد بررسی قرار دهند.

احسان یاری و دانش رضایی (۱۳۹۶) در مقاله «دیپلماسی و امنیت انرژی جمهوری اسلامی ایران»، یکی از الزامات رشد و توسعه اقتصادی کشورها در جهان کنونی را اتخاذ سیاست و دیپلماسی مناسب در راستای تأمین امنیت انرژی شان می‌دانند. با اینکه نوع نگاه به امنیت انرژی از سوی تولیدکنندگان و مصرف کنندگان انرژی متفاوت است اما نگارندگان این مقاله، بر این باورند که در برخی موارد، امنیت انرژی آنها مکمل یکدیگر است؛ یعنی کشورها با آگاهی از سیاست‌های امنیت انرژی همدیگر، می‌توانند با اتخاذ سیاست و دیپلماسی مناسب روابط همکاری جویانه و یا حاصل جمع مضاعف را در پیش بگیرند که حاصل آن افزایش بهره وری و سود، هم برای مصرف کننده و هم تولید کننده انرژی است.

همچنین کارین نایسل (۲۰۱۱) در مقاله «دیپلماسی انرژی دیپلماسی مهارت‌های نرم و یا قدرت سیاست؟» تلاش دارد تا نقش انرژی را در یک مرز دوگانه نرم و سخت مورد واکاوی قرار دهد. که آیا، دیپلماسی انرژی یک مهارت نرم و اهرم دیپلماتیک نرم است یا یک سیاست قدرت سخت؟ در همین راستا، وی از لابلای مثال‌های تاریخی که پیرامون نقش انرژی در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی مطرح می‌کند به این نتیجه می‌رسد که جواب سؤال وی، در چارچوب پاسخی دوگانه، هر دو مورد را تأیید می‌کند. لذا، نفت به عنوان ابزاری دیپلماتیک در سیاست خارجی دارای کارکرد نرم و سخت در ادبیات سیاست خارجی کشورها می‌باشد.

حسین پوراحمدی (۱۳۸۸) نیز در مقاله «دیپلماسی انرژی و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران» معتقد است ایران به عنوان کشوری که دارای ذخایر عظیم نفت و گاز در درون مرزهای ملی و پیرامون آن است، دیپلماسی انرژی ابزاری برای بیشینه ساختن دستاوردها از نظام اقتصاد سیاسی جهانی محسوب می‌شود. این در حالی است که غالباً در خط مشی خارجی ایران نگاه اقتصادی از موضوعیت کمتری نسبت به ملاحظات سیاسی برخوردار بوده است. در نتیجه غلبه نگاه بازرگانی در موضوع انرژی که از عدم لحاظ شدن نگاه بلندمدت و راهبردی به مسائل بخش انرژی در رویکرد خارجی دیپلماسی انرژی حکایت می‌کند بیانگر این است که ایجاد تحول در شرایط عمومی بازیگری منطقه‌ای و بین‌المللی کشور نیازمند مدنظر داشتن راهبردهای بلندمدت بخشی و از جمله برای سیاست خارجی است. لذا می‌توان گفت که در رابطه با دیپلماسی انرژی، مقالات و گزارشات تقریباً فراوانی منتشر گردیده است اما در رابطه با انطباق این مقوله با توسعه مناسبات اقتصادی، تاکنون در حوزه جغرافیای سیاسی، مطلب قابل توجهی منتشر نگردیده است که مقاله حاضر می‌تواند به غنی شدن مطالب علمی در این خصوص کمک نماید.

۲- چارچوب نظری

ادوارد لوتواک^۱ در سال ۱۹۹۱م. پارادایم ژئواکونومی^۲ را با مفهوم گسترده ای وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد. این رویکرد با تأکید بر ترکیب مستقیم عناصر اقتصادی، جغرافیایی و سیاسی، تلاش دارد نشان دهد که چگونه دولت‌ها با استفاده از ابزارهای

^۱Edward Luttwak

^۲Geoeconomics

اقتصادی مانند تحریم، تعرفه، کنترل منابع یا صادرات استراتژیک به اهداف قدرت طلبانه و ژئوپلیتیکی دست می‌یابند. واژه ژئواکونومی در واقع تغییر نام و هدف واژه ژئواستراتژی است. ژئواکونومی، تجزیه و تحلیل استراتژی‌های اقتصادی است که توسط دولت‌ها، برای تصمیم‌گیری در یک محیط سیاسی با هدف حفاظت از اقتصاد کشور خود و برای کمک به ملت خود مورد توجه قرار می‌گیرد. در این چارچوب، هنگامی که ظرفیت‌های اقتصادی یک کشور به سبب موقعیت جغرافیایی (نظیر منابع طبیعی یا مسیرهای ترانزیت) وابسته باشند، «اقتصاد-جغرافیایی» یا ژئواکونومی بروز می‌کند؛ چراکه دولت برای دستیابی به اهداف راهبردی، سیاست‌ها و استراتژی‌های اقتصادی خود را در بستری ژئوپلیتیکی شکل می‌دهد. همان‌طور که لوتواک اشاره می‌کند، ژئواکونومی به‌واقع تجلی همان «منطق مناقشه» با «گرامر-تجارت» است: «به‌کارگیری روش‌های اقتصادی به جای روش‌های نظامی.» با این حال، ژئواکونومی نه بخشی مجزا که وجهی اقتصادمحور از ژئوپلیتیک است. این دیدگاه سیاسی-اقتصادی، هنگامی پدید می‌آید که اقتصاد تبدیل به عامل اساسی و تعیین‌کننده در رقابت‌های قدرت شود، و دولت‌ها برای تأمین منافع ملی‌شان از ابزارهای مالی و تجاری بهره می‌برند. به بیان دیگر، ژئواکونومی، بررسی نقش متقابل اقتصاد و سیاست در ساختار تصمیم‌گیری سیاسی، رقابت‌های بین‌المللی و شکل‌دهی به ساختار ژئوپلیتیکی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی است (مرتضوی و علی کرمی، ۱۳۹۳: ۶).

بر اساس آنچه گفته شد، هدف اصلی ژئواکونومی عبارت است از کسب، حفظ و تعمیق قدرت است که از طریق ابزارهای اقتصادی مانند افزایش ثروت، بهره‌برداری از فعالیت‌های اقتصادی سایر کشورها و جهت‌دهی پیامدهای ژئوپلیتیکی، در یک چارچوب جغرافیایی محقق می‌گردد. در این مسیر، ژئواکونومی به‌طور همزمان موجب تولید قدرت سخت اقتصادی مانند (تحریم‌ها، تعرفه‌ها، کنترل منابع یا بازارها) و قدرت نرم اقتصادی (ارائه مدل اقتصادی مطلوب که دیگران را به تقلید و همکاری تشویق می‌کند) می‌گردد. چنین مدلی اقتصادی موفق، نه تنها توان سخت اقتصادی را تقویت می‌کند، بلکه با ایجاد الگویی جذاب و الگوپذیر، قدرت نرم را نیز تولید می‌نماید. بر این اساس، می‌توان گفت ژئواکونومی، نقش عوامل اقتصادی در مسائل سیاسی و بین‌المللی و نیز تاثیر این عوامل بر ساختار ژئوپلیتیک منطقه‌ای یا جهانی را بررسی می‌کند. لذا کشوری که بتواند به منابع ژئواکونومیک به حد کافی دسترسی داشته باشد می‌تواند نقشی راهبردی و نفوذی هژمونیک برای خود بوجود آورد و کشورهای دیگر را نیز به تبعیت از خود و همکاری با خود وادار کند. در حال حاضر استراتژی ژئوپلیتیک که قدرتهای بزرگ آن را پیگیری می‌کنند شامل شرح وظایف آنها در مناطقی است که بتوانند منافع کلان ژئواکونومی خود را با نفوذ جغرافیایی و نظارت بر آنها عملی سازند (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۶). به عبارت دیگر، ژئواکونومی نقشی در شکل‌گیری قدرت نداشته، بلکه یکی از وجوه مشخصه توسعه آن است به‌ویژه در رابطه با عواملی که تعیین‌کننده قدرت‌اند و جنبه‌ای از تأکید بر انتقال راهبردها از رویکردهای نظامی به رویکردهای اقتصادی است. این تغییر تدریجی را باید در اولویت‌بندی استراتژی‌های دولت‌های صنعتی غرب، که دستیابی به قدرت و سلطه اقتصادی را در صدر اهداف نهایی خود قرار داده‌اند جست‌وجو کرد (حافظ نیا، ۱۳۸۵). لذا، هدف اصلی ژئواکونومی کنترل سرزمین‌ها یا پیشبرد قدرت نظامی مستقیم نیست، بلکه بر کسب استیلای فناوری و تجارت تمرکز دارد؛ آنچه در نهایت منجر به شکل‌گیری نوعی هژمونی جدید مبتنی بر توان اقتصادی در سطح بین‌المللی می‌شود. تفکر ژئواکونومیک ابزارهایی را فراهم می‌آورد که دولت‌ها بتوانند از طریق آن به اهداف راهبردی خود دست یابند. به‌عبارت دیگر، تمام استراتژی‌های ژئواکونومی حیطه گسترده‌ای از توسعه قلمرو اقتصادی کشورها را در بر می‌گیرد و این اقدامات گاهی توسط کشورهای صنعتی در چارچوبی خارج از سبک سنتی قدرت سخت طراحی و اجرا می‌شوند. (اخباری و نامی، ۱۳۸۸: ۲۵).

از طرفی دیگر، نظریه وابستگی متقابل^۱ که در واقع از انگاره‌های همکاری جویانه رویکرد لیبرالیسم^۲ سرچشمه می‌گیرد در کنار ژئواکونومی به عنوان رویکرد پایه مقاله در نظر گرفته شده است. کوهن و نای در دهه ۱۹۷۰ بر این نکته تأکید کردند

1. Interdependence

2. liberalism

که رئالیسم به تنهایی قادر به توضیح روابط بین‌الملل عصر جدید نیست. آن‌ها با ارائه نظریه «وابستگی متقابل»، استدلال کردند که اکنون جهان در حال عبور از دوره‌ای است که در آن زور و تقابل تنها ابزار قدرت بودند. در این جهان نوین، دولت‌ها در کنار قدرت نظامی، به همکاری با دیگران و ایجاد توازن و تأثیر دوجانبه روی می‌آورند. کتاب «قدرت و وابستگی متقابل» (۱۹۷۷) آن‌ها این پیام مهم را منتقل می‌کند که دیگر نظامی‌گری مداح اصلی روابط بین‌الملل نیست بلکه مشارکت و تقسیم منابع نقش تعیین‌کننده دارد. (1977Keohane & Nye, 5-35).

امروزه مفهوم ژئواکونومی با وابستگی متقابل به عنوان مفاهیم ملازم و تکمیل‌کننده یکدیگر هستند. بسترهای ژئواکونومیک در بعد فضای جغرافیایی، منابع و زمان و کیفیت و چگونگی دسترسی به آنها، زمینه بروز ایده‌ها و ابتکارهایی را در قرن 21 فراهم نموده است. به رغم تهدیدات و احتمالات رویارویی و جنگ بین کشورهای مختلف، امروزه بیشتر توجهات به مباحث ژئواکونومیک و درهم تنیدگی بیش از پیش اقتصاد کشورها در یکدیگر است. ایده ابتکار کمربند - راه^۱ چین، طرح پاسیفیک^۲ اوباما، طرح این دو - پاسیفیک^۳ ترامپ، ایده‌های دسترسی و ارتباطات هندی‌ها و نهایتاً ایده «بازسازی جهان بهتر»^۴ جو بایدن رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، همگی نشان از اهمیت ژئواکونومی در قرن حاضر و پذیرش قدرت نرم اقتصادی در بستر ژئواکونومی و تلاش جهت مدیریت این گفتمان ژئواکونومیک بر اساس ایده‌های هر کدام از قدرتهای بزرگ است. لذا، ژئواکونومی به نحوی، هنر بهره‌گیری از ظرفیتهای اقتصادی سرزمینها جهت برتری است تا بهره‌گیری از قدرت نظامی. از این جهت بحث قدرت نرم به ویژه اقتصادی که دال مرکزی وابستگی متقابل است در ژئواکونومی نیز مستتر است؛ لذا در مقاله حاضر دو مفهوم ژئواکونومی و وابستگی متقابل اساس تحلیل مقاله حاضر خواهند بود.

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- همگرایی منطقه‌ای ایران و چین در چارچوب وابستگی متقابل

افزایش نقش انرژی در مناسبات اقتصادی کشورهای مختلف جهان، باعث توجه بیش از پیش به مناطق تأمین‌کننده انرژی به ویژه از جانب قدرت‌های اقتصادی شده است. بررسی روند مصرف انرژی در چین نشان می‌دهد که میان رشد اقتصادی چین و تقاضای انرژی در این کشور رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. با توجه به وابستگی اقتصادی چین به انرژی‌های فسیلی، پکن تلاش می‌کند با ایجاد تنوع در منابع تأمین‌کننده انرژی، آسیب‌پذیری احتمالی خود را کاهش دهد. اما چین علاوه بر این که در پی همکاری با طیف متنوع تری از عرضه‌کنندگان انرژی در سطح جهان است به فکر ایجاد تنوع در مسیرهای انتقال انرژی نیز می‌باشد. زیرا نخبگان چینی به خوبی دریافته‌اند که آمریکا و متحدانش در منطقه جنوب و جنوب شرقی آسیا بر ناوگان حامل انرژی به سمت چین تسلط داشته و از این طریق علاوه بر مهار منطقه‌ای چین، کنش‌های بین‌المللی پکن را نیز محدود می‌نمایند. زیرا حدود ۸۰ درصد انرژی وارداتی چین از تنگه مالاکا^۵ عبور می‌کند و در صورت وقوع درگیری در این تنگه حساس، اقتصاد چین فلج خواهد شد. بنابراین به وضوح قابل درک است که چرا پکن در پی ایجاد مسیرهای متنوع انرژی است. لذا با توجه به فقدان یا به صرفه نبودن سایر مسیرهای دریایی، چین به دنبال منابعی با امکان انتقال از مسیر زمینی است. بخشی از این هدف از طریق آسیای مرکزی محقق می‌شود. اما زیر ساخت‌های موجود در آسیای مرکزی برای تأمین نیاز چین به انرژی‌های فسیلی کافی نیست. چین در قالب برنامه‌های کلانی مانند "یک کمربند - یک راه" قصد دارد زیر ساخت‌های لازم را در منطقه ایجاد نماید. با این حال مشکل دیگری نیز وجود دارد و آن حجم منابع موجود در آسیای مرکزی است.

از سوی دیگر، حجم ذخایر خلیج فارس بسیار چشم‌گیر است. به همین جهت چین ناچار است که خلیج فارس را به عنوان یکی از حوزه‌های ژئوپلیتیک انرژی خود لحاظ کند. بدون شک خلیج فارس می‌تواند بخشی اساسی از نیاز چین را تأمین

1. The Belt and Road

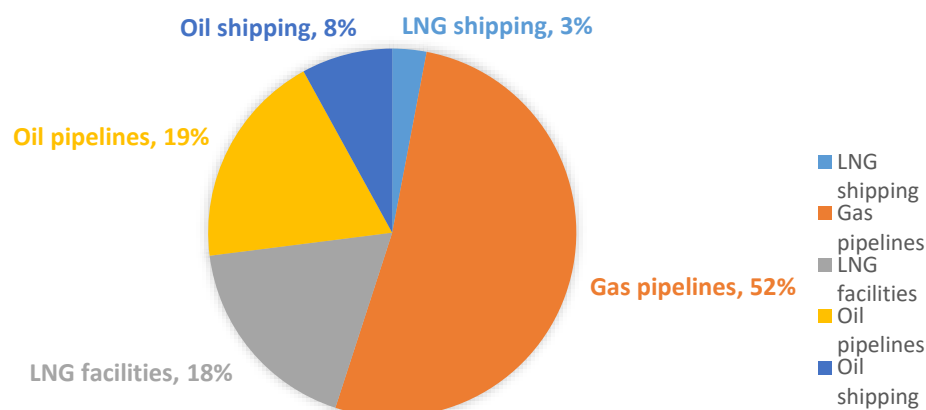
2. Pacific

3. these two - Pacific

4. Rebuilding a better world

5. Malacca

نماید. اما انرژی صادراتی از این منطقه ناگزیر باید از تنگه مالاکا و مسیر پرخطر دریایی عبور کند تا به سواحل چین برسد. با توجه به حجم منابع غنی انرژی در منطقه خلیج فارس، سرمایه گذاری برای انتقال انرژی از طریق خطوط لوله، منطقی به نظر می‌رسد. شایان ذکر است که میانگین عمر تخمینی منابع انرژی در خلیج فارس ۸۰ سال است. این امر، توجیه اقتصادی برای سرمایه گذاری در زمینه خطوط لوله را تقویت می‌کند. از سوی دیگر تلاش‌های چین برای توسعه زیرساخت‌ها در منطقه آسیای مرکزی در قالب طرح "یک کمربند یک راه" امکان برقراری این ارتباط زمینی میان خلیج فارس و آسیای-مرکزی را دو چندان می‌کند. هر چند افغانستان نیز می‌تواند به عنوان یکی از گزینه‌های ارتباطی مطرح باشد اما ناامنی گسترده در این کشور مانع از این امر است. همچنین برخلاف پاکستان کشورهایی که در محور این مسیر پیشنهادی (کشورهای خلیج فارس، ایران، ترکمنستان و قزاقستان) قرار دارند همگی دارای منابع انرژی قابل توجهی هستند که می‌تواند حجم انرژی انتقالی به چین را افزایش دهد. از سویی دیگر بر اساس تخمین آژانس بین المللی انرژی از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۳۵ به میزان ۳/۶ تریلیون دلار در حوزه ترانزیت انرژی سرمایه گذاری خواهد شد (آژانس بین المللی انرژی، ۲۰۱۴: ۷۱). براساس نمودار زیر ۷۱ درصد از این سرمایه گذاری ها به خطوط لوله انتقال نفت و گاز اختصاص خواهد داشت.



منبع: IEA, 2014:71

نمودار ۱. سرمایه گذاری در حوزه ترانزیت انرژی تا ۲۰۳۵

شایان ذکر است که دستگاه سیاست خارجی ایران با فعال شدن در این بخش می‌تواند بخشی از این سرمایه گذاری‌ها را جذب کند. چین تمایل خود را برای دسترسی مستقیم به منابع انرژی ایران از طریق خط لوله قزاقستان اعلام کرده است (پینر^۱، ۲۰۱۷: ۱۳). زیرا چینی‌ها به خوبی می‌دانند که احداث خط لوله از ایران به ترکمنستان، قزاقستان و نهایتاً ورود به استان سین کیانگ^۲ به تضمین امنیت انرژی چین کمک خواهد کرد (اولیمات^۳، ۲۰۱۹: ۸۴). نکته قابل توجه این که ایران در خلیج فارس و ترکمنستان در آسیای مرکزی دارای رتبه نخست ذخایر اثبات شده گازی هستند. این موضوع و همچنین هم مرز بودن این دو کشور می‌تواند باعث پیوستن ایران به خط لوله ترکمنستان-چین برای انتقال گاز ایران شود. خلیج فارس از نظر میزان ذخایر، اهمیت بالایی در ژئوپلیتیک انرژی چین دارد. این در حالی است که آسیای مرکزی از بعد جغرافیایی و ارتباطی برای چین مهمتر از خلیج فارس است. به همین دلیل پکن در تلاش است که مسیرهای انتقال انرژی خلیج فارس به چین را متنوع سازد تا ضمن بهره مندی از منابع غنی این منطقه بر چالش‌های امنیتی موجود در مسیر دریایی و شکنندگی امنیتی تنگه مالاکا غلبه کند (ژانگ^۴، ۲۰۱۱: ۷۴). بر اساس این ایده، خط انرژی چینی-عربی از طریق پایانه انرژی خلیج فارس و از مسیر ایران

۱. Pinner

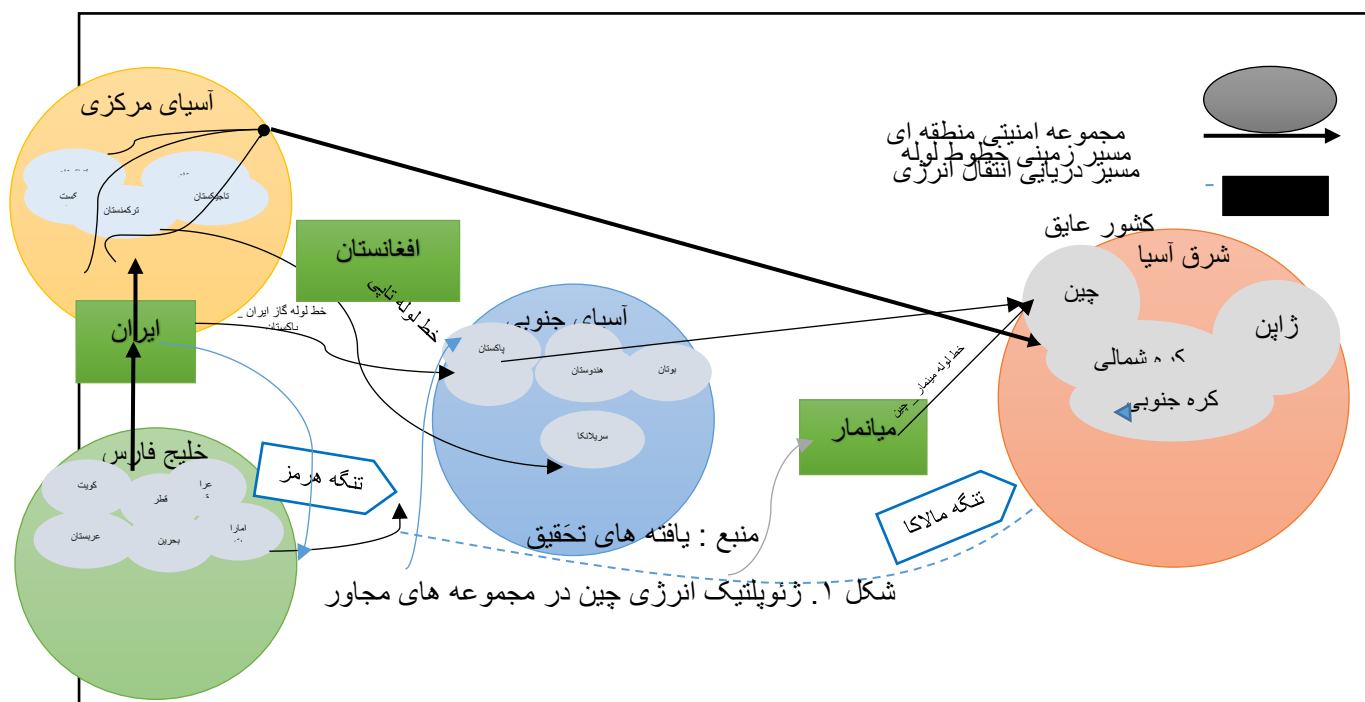
۲. Xinjiang

۳. Ulimat

۴. Zhang

به آسیای مرکزی و سپس به چین خواهد رسید. بر این اساس چین تبدیل به «پل انرژی جهانی پان آسیایی»^۱ خواهد شد که نه تنها منابع انرژی خلیج فارس و آسیای مرکزی را به چین می‌رساند، بلکه از این طریق می‌تواند به ژاپن و کره نیز انرژی عرضه کند. از این پروژه با عنوان "جاده ابریشم انرژی"^۲ نیز یاد می‌شود (ژیلتسو و گریشچوا^۳، ۲۰۱۵: ۱۱۱). راه‌هایی مانند میانمار و پاکستان که چین به عنوان مسیر جایگزین تنگه مالاکا تعیین کرده است اگرچه تنها با عبور از خاک یک کشور به چین می‌رسد اما مسیر پیشنهادی ایران- آسیای مرکزی از مزایایی برخوردار است که سایر مسیرها فاقد آن می‌باشد. به عنوان مثال بیش از ۶ هزار کیلومتر مسافت دریایی باید طی شود تا کشتی‌های حامل انرژی از خلیج فارس به خط لوله مورد نظر در سواحل میانمار برسد در حالی که سواحل ایران با هریک از کشورهای خلیج فارس کمتر از ۲۰۰ کیلومتر فاصله دارد. مسیر پاکستان نیز علاوه بر فاصله بیشتر دریایی به دلیل حضور طالبان از امنیت لازم برخوردار نیست. در حالی که مسیر ایران به عقیده بسیاری از کارشناسان یکی از امن‌ترین مسیرهای موجود است. فراتر از این موضوعات، ایران به عنوان کشوری که متعلق به هیچ یک از مجموعه‌های امنیتی مجاور نیست می‌تواند همانند یک کشور عایق، ایفای نقش نموده و از این طریق اهمیت ذخایر خلیج فارس را به اهمیت جغرافیایی آسیای مرکزی پیوند دهد.

از سوی دیگر انتقال انرژی از طریق خطوط لوله، امنیت عرضه انرژی را با ثبات تر خواهد کرد. زیرا در این صورت کشور صادر کننده به راحتی نمی‌تواند مشتریان جدید را جایگزین نماید. بنابراین ایفای چنین نقشی توسط ایران، از جذابیت لازم برای چین برخوردار است. هر چند احداث خط لوله خلیج فارس از راه ایران به آسیای مرکزی ممکن است بلندپروازانه به نظر برسد اما با توجه به دلایل فوق، ایده مذکور می‌تواند به عنوان یکی از مسیرهای پیشنهادی مطرح باشد. تصویر زیر، نمای ذهنی از ژئوپلیتیک انرژی چین را در مناطق مجاور نشان می‌دهد. لذا جایگاه میانی ایران این پتانسیل ژئوپلیتیکی را برای کشور ایجاد کرده است که به عنوان یک «دولت عایق فعال»^۴ در حوزه انرژی عمل کند.



لذا با توجه به قرارگیری جغرافیایی ایران در مسیر استراتژیک «کمربند-راه»، همکاری ژئوپلیتیکی عمیق میان ایران و چین می‌تواند رشد و تسلط اقتصادی چین را در آسیای مرکزی و غربی تضمین کند و حتی این هژمونی را به قفقاز و شرق دریای

1. Pan-Asian Global Energy Bridge

2. Energy Silk Road

3. Zhiltsev and Grisicheva

4. Active insulation state

مدیرانه گسترش دهد. اگرچه تنش‌های راهبردی با غرب و حضور پررنگ آمریکا در خلیج فارس و آسیای مرکزی، تحقق کامل این ایده را با چالش مواجه می‌سازد؛ اما با این حال، تقویت همکاری‌های ایران و چین، به‌ویژه در حوزه نفت و گاز، قدرت سیاسی تهران را در صحنه بین‌المللی افزایش خواهد داد. علاوه بر این، مشارکت سه جانبه ایران، چین و پاکستان در بخش انرژی از طریق کریدور اقتصادی «چین-پاکستان» قابلیت ژئوپلیتیکی ایران را ارتقا داده و آن را به بازیگری قدرتمندتر در چارچوب پروژه کمربند-راه تبدیل می‌کند. ایران، با برخورداری از ظرفیت انرژی گسترده، موقعیت ترانزیتی راهبردی (اتصال آسیای میانه، شرق اروپا و آسیای شرقی) و نفوذ در تنوع جغرافیای گروه‌های اسلامی، به یکی از گزینه‌های اصلی مشارکت بلندمدت بدل خواهد شد. این تحولات، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای چین فراهم می‌آورد تا نقش فعالتری در دیپلماسی جهانی ایفا کند؛ و به ایران کمک می‌کند تا با چین، پاکستان و ترکمنستان، «وابستگی پیچیده متقابل» شکل دهد. لذا برای موفقیت در طرح جدید جاده ابریشم، برنامه‌ریزی هوشمند و انعطاف‌پذیری ایران در سیاست‌های تطبیقی اهمیت حیاتی دارد.

۳-۲- پتانسیل‌های مناسبات تجاری و اقتصادی ایران و چین در پرتو دیپلماسی انرژی فعال

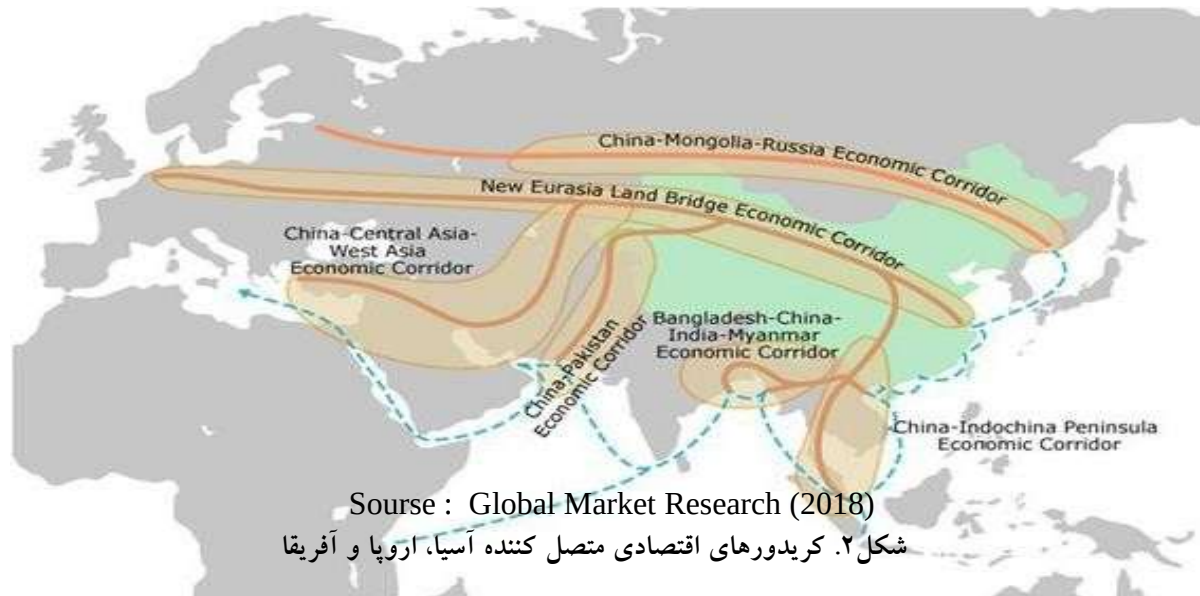
تحلیلگران بر این باورند که سیاست چین در خاورمیانه همواره بر «موازنه‌سازی منطقه‌ای» متمرکز بوده است. تعادلی که حاصل تأثیرگذاری پررنگ سه سطح: ملی، منطقه‌ای و جهانی است. چین، مبتنی بر راهبرد «از ثروت به قدرت» عمل می‌کند؛ به این معنا که با گسترش مناسبات اقتصادی، تولید و ثروت را افزایش داده و در نهایت آن را به قدرت تبدیل می‌کند. از این دیدگاه، گسترش مناسبات اقتصادی پکن با کشورهای دارای ذخایر نفتی منطقه مانند ایران، قابل درک است. چرا که جایگاه ایران در این تعامل بارزتر است. چون چینی‌ها به خوبی از ظرفیت ایران برای ایجاد ثبات و تأمین امنیت منطقه آگاهی دارند بنابراین تمایل دارند با تقویت جایگاه ایران به‌عنوان ثبات‌ساز، مسیر تأمین انرژی را تضمین کنند. در این پیکره، چین که به عنوان یک هژمون در حال ظهور شناخته می‌شود و ایران که به عنوان قدرت منطقه‌ای با گرایش‌های مستقل عمل می‌کند، هر دو تحت تأثیر محدودیت‌هایی از سوی هژمون مستقر (ایالات متحده) قرار دارند. بنابراین واضح است که دو کشور ایران و چین در چارچوب نظام بین‌المللی «در حال گذار»، با هدف‌گذاری «ضد هژمونیک‌گرایی»، هم‌پیمان و همراه یکدیگر هستند و بر این اساس، مورد سیاست مهار از سوی آمریکا قرار گرفته‌اند. لذا، تحت فشار اقتضائات و ضرورت‌های اقتصادی و حتی سیاسی، نزدیکی بیشتر ایران و چین قابل توجیه به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر، ایران به‌واسطه تقابل ساختاری بلندمدت در نظام بین‌الملل، با خلاء یک متحد راهبردی مواجه است. در چنین شرایطی، این تقابل مستلزم موازنه‌سازی خارجی است؛ از این‌رو ایران به کشوری مقتدر و در سطح جهانی نیازمند است تا این توازن را حفظ کند. در این چارچوب، چین، گزینه‌ی مناسبی قلمداد می‌شود: کشوری که نه تنها توان و ظرفیت، بلکه اراده لازم برای موازنه‌سازی در برابر نظام آمریکا محور را داراست. افزون بر این، چین در سال‌های اخیر مسیر قدرت‌یابی خزنده را طی کرده و اکنون به ارتقای جایگاه به‌عنوان قدرت جهانی نزدیک شده و رقیبی جدی برای آمریکا محسوب می‌شود. پکن در تلاش است تا زنجیره ارزش جهانی چین محور را از طریق پروژه عظیم کمربند-راه در آسیا و فراتر از آن گسترش دهد. لذا با توجه به این‌که این طرح‌های کلان در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اجرا می‌شوند ایران به دلیل جایگاه اقتصادی و موقعیت ژئواستراتژیکی‌اش برای پکن اهمیت ویژه‌ای دارد.

با در نظر گرفتن جایگاه ژئواستراتژیک بی‌نظیر ایران در قلب اوراسیا، این کشور قابلیت ایفای نقشی اساسی را در اتصال چین و آسیای شرقی و جنوبی (به‌ویژه هند) با روسیه، اروپا، آسیای مرکزی، خلیج فارس و شمال آفریقا دارد. این پیوند نه تنها تأثیرات ژئوپلیتیکی و اقتصادی دارد بلکه با توسعه شبکه خطوط ریلی، موجب ارتقای ظرفیت ترانزیت و افزایش وابستگی متقابل منطقه‌ای خواهد شد. با توجه به رشد چشمگیر حجم تجارت جهانی که در سال ۲۰۲۴ به رکورد ۳۳ تریلیون دلار رسید و جابه‌جایی و توزیع انبوه کالا میان این قطب‌های اقتصادی، مشارکت فعال ایران در پروژه کمربند-راه، اولاً جایگاه ترانزیتی

کشور را ارتقا می‌بخشد و ثانیاً از طریق دیپلماسی فعال انرژی، امکان بهره‌برداری از درآمدهای فراوان ترانزیتی و مناسبات اقتصادی را فراهم می‌سازد.

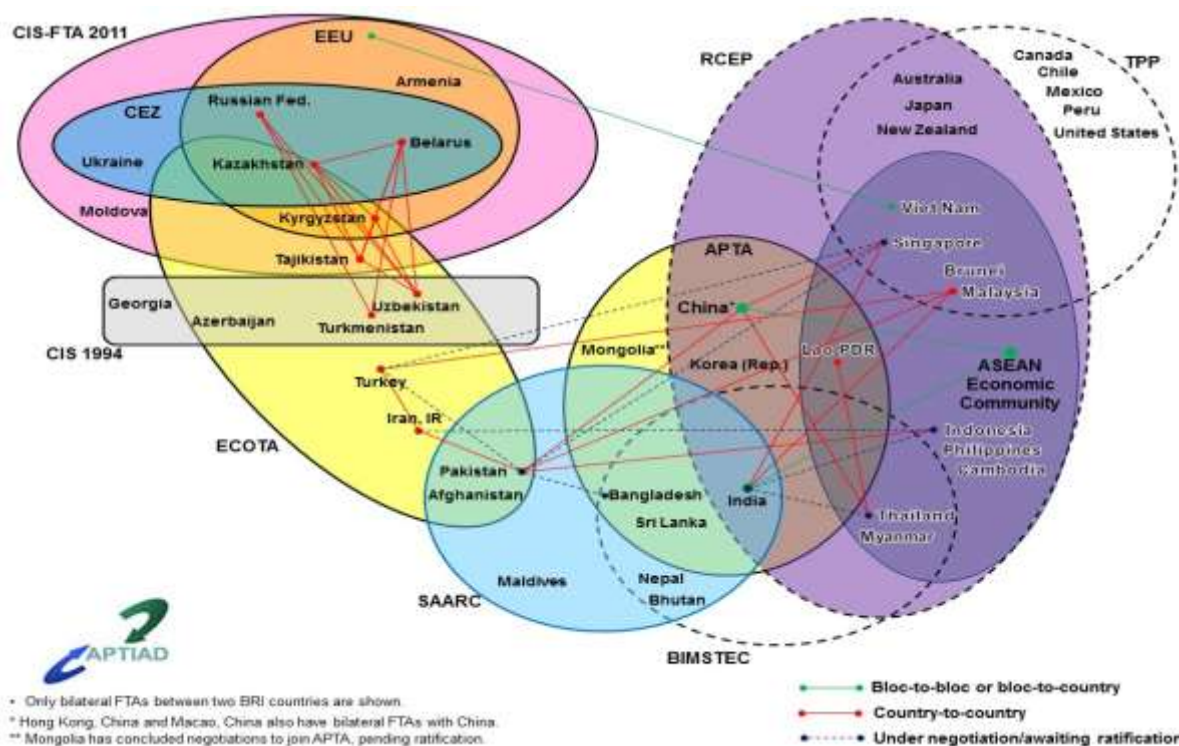
لذا با بهره‌برداری مناسب از ظرفیت دیپلماسی انرژی در جهت مناسبات اقتصادی می‌توان گفت موافقتنامه‌هایی که ذیل ابتکار کمربند - راه بین ایران و چین و همچنین قراردادهایی که در تفاهم نامه همکاری ۲۵ ساله منعقد می‌شود علاوه بر فراهم کردن تسهیلات قانونی و ساختاری در زمینه ارتقای تجارت به شکل کلی، به دلیل قرار گرفتن کشورهای منطقه غرب آسیا و نیز آسیای میانه به عنوان همسایگان ایران در مسیر ابتکار کمربند - راه، فرصت همکاریهای منطقه‌ای بویژه اقتصادی نیز بیش از پیش مهیا می‌شود. یکی از مهمترین اقداماتی که ذیل این موافقتنامه‌ها امکان عملیاتی شدن را پیدا می‌کند، برخورداری از تسهیلات کریدورهای لجستیکی تعریف شده در ابتکار کمربند - راه است.



ذیل هریک از این کریدورها و با توجه به پتانسیل‌ها و نوع مناسبات تجاری و اقتصادی موجود، می‌توان موافقتنامه‌های تجاری و اقتصادی متعددی را در راستای بهره‌مندی از مزایا و توانمندی‌های موجود در این طرح ایجاد کرد. از آنجایی که عقد موافقتنامه‌ها لزوماً به مفهوم غلبه بر موانع جغرافیایی یا اقتصادی نیست بلکه عواملی نظیر اندازه بازار، مکانیسم اجرایی و مقررات تنظیمی (که موانع و محدودیتهای تجاری را هدف قرار می‌دهند) در میزان موفقیت موافقتنامه‌ها نیز مؤثر است. لذا می‌توان تسهیلات ایجاد شده در طرح کمربند - راه را به عنوان یک تسهیل‌گر پیش‌برنده برای موافقتنامه‌های تجاری و اقتصادی میان کشورهای واقع شده در مسیر کریدورهای اقتصادی مذکور دانست. همچنین انعقاد موافقتنامه‌های دو جانبه ترجیحی، بازرگانی و گمرکی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر دولتها بخصوص چین نیز از جمله موافقتنامه‌هایی است که می‌تواند به تسهیلات مناسب در ارتقاء مناسبات اقتصادی بین دو کشور منجر شود که غالباً شامل اهداف ذیل می‌باشند:

- ۱- تقویت مناسبات اقتصادی و بازرگانی دوجانبه و افزایش حجم تجارت کالا و خدمات (هدف اصلی توافقات دوجانبه، گسترش دامنه بازارها و تسهیل سرمایه‌گذاری مشترک است که باعث رشد تجارت کالا و خدمات خواهد شد)
- ۲- ایجاد محیط قابل پیش‌بینی و امن برای رشد پایدار تجارت (ثبات پروتکل‌های استانداردسازی شده مثل حل اختلافات و شفافیت مالی ابزاری کلیدی در فضای تجاری پر ریسک جهانی محسوب می‌شود)
- ۳- تحکیم و توسعه تدریجی تجارت ترجیحی با شرکای کلیدی (یعنی امکان پیشبرد معافیت‌های تعرفه‌ای خاص نسبت به شرکای قابل اعتماد وجود دارد تا از این طریق همکاری‌های راهبردی تقویت شود)

- ۴- گسترش تجارت دوجانبه از طریق شناسایی حوزه‌های جدید همکاری (توسعه محصولات با ارزش افزوده بالاتر مثل فناوری، معدن، انرژی تجدیدپذیر و صنایع نوین باعث تنوع‌بخشی به سبد مبادلات تجاری می‌شود)
- ۵- تسهیل و تنوع کالاهای مبادله شده (حذف محدودیت‌های تعرفه‌ای و استانداردسازی کدهای گمرکی (HS)، به همراه استفاده از سیستم‌های Single-Window و تسهیلات گمرکی، شرایط گسترش تنوع کالا را فراهم می‌کند)
- ۶- کمک به توسعه هماهنگ تجارت از طریق حذف موانع (اجرای پروتکل‌های TFA و هماهنگی نهادهای مرزی در مسیرهای ترانزیت، موانع اداری را کاهش داده و هزینه‌های تجارت را پایین می‌آورد)
- ۷- اطمینان از اجرای صحیح قوانین گمرکی (برقراری نظارت شفاف، حسابرسی پس از ترخیص مبتنی بر ریسک و ارائه رویه‌های پاسخگویی و تجدیدنظر، موجب افزایش اعتماد و کاهش تخلفات می‌شود)
- ۸- ارزیابی دقیق حقوق گمرکی، مالیات‌ها و عوارض و تضمین اجرای محدودیت‌ها (بررسی سقف تعرفه‌ها، مالیات و سیاست‌های محدودکننده و همسو با استانداردهای بین‌المللی تجارت، باعث کاهش عدم قطعیت و تشویق سرمایه‌گذاران می‌گردد)



شکل ۳. موافقتنامه‌های تجاری و اقتصادی منطقه‌ای بین اقتصادهای آسیایی واقع در کریدور ابتکار کمربند و راه همانطور که از شکل فوق پیداست، ایران از توافقات تجاری و اقتصادی محدودی در گستره آسیایی این ابتکار برخوردار است؛ درحالی‌که علاوه بر امکان ایجاد معاهدات تجاری با کشورهای واقع در این کریدور، فرصت انعقاد موافقتنامه‌هایی با بلوکهای اقتصادی فعال در این گستره نیز مهیاست.

بنابراین با توجه به زمان‌بندی دقیق و کارآمد در دیپلماسی اقتصادی و با اتکا به دیپلماسی فعال در حوزه انرژی، ایران قادر خواهد بود فرصت‌های بی‌ظیری را در آینده‌ای نزدیک برای خود ترسیم کند. همان‌گونه که تاکنون در مسیرهای این طرح، دست‌کم دو کشور پاکستان و قزاقستان با دوراندیشی و هماهنگی به موقع با چین توانسته‌اند به خوبی از این فرصت بهره‌مند شوند: پاکستان با جلب سرمایه‌گذاری کلان از چین برای احداث زیرساخت‌هایی مانند بندر گوادر، آزاد راه شرق-غرب، و

قزاقستان که با تبدیل شدن به کریدور ریلی اصلی چین به اروپا توانسته است با برنامه‌ریزی دقیق و زمان‌بندی مناسب، به نحو شایسته‌ای از این امتیاز استفاده کند. لذا اتخاذ تدابیر مناسب و سریع در این زمینه، ضرورتی انکارناپذیر بنظر می‌رسد.

بنابراین، تحقق توسعه مناسبات اقتصادی در پرتو دیپلماسی انرژی فعال می‌تواند بسیاری از حوزه‌های داخلی را از نظر اقتصادی و فرهنگی و سیاسی، تقویت و بسیاری از کمبودهای یک کشور را پوشش داده و زمینه ساز پیشرفت کشور را فراهم نماید. در مجموع، کشور ایران از طریق یک دیپلماسی انرژی فعال و با استفاده مناسب از فرصت‌های پروژه یک کمربند یک راه می‌تواند به اهداف، برنامه‌ها و نیازهای اقتصادی و تجاری خود در راستای تامین منافع ملی و منطقه‌ای خود اقدام کند. با اتکاء بر دیپلماسی انرژی پرتحرک و فعال برای گسترش مناسبات اقتصادی، ایران می‌تواند مهم‌ترین دستاوردهای زیر را به‌طور خلاصه محقق سازد: ۱- کاهش انزوای ژئواکونومیک (کاستن از انزوا در عرصه اقتصاد مبتنی بر موقعیت جغرافیایی) ۲- پیوند ایران با زنجیره ارزش آسیایی و اروپایی (فراهم کردن امکان ورود به زنجیره تولید و تجارت جهانی) ۳- ایجاد شبکه زیرساختی مشترک با کشورهای مهم اوراسیا (تقویت اتصال ریلی، جاده‌ای و انرژی میان ایران و همسایگان استراتژیک) ۴- پر کردن شکاف‌های زیربنایی در منطقه (هموارسازی مسیر برای توسعه متوازن منطقه‌ای) ۵- تقویت زیرساخت‌ها براساس قابلیت پیوستن به دو زنجیره مزیت‌آفرین (ارتقای ظرفیت‌های ارتباطی، انرژی و حمل‌ونقل داخل) ۶- کاهش وابستگی به تحریم‌ها (تقویت مقاومت کشور در برابر فشارهای بین‌الملل) ۷- همسویی با حوزه‌های مزیت‌دار ایران (همگرایی با نقاط قوت مانند حمل‌ونقل، انرژی، ارتباطات، گردشگری و زیرساخت‌ها) ۸- جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (ایجاد فرصت برای مشارکت شرکت‌های خارجی و انتقال فناوری) ۹- تحقق امنیت جمعی منطقه‌ای (تداوم ثبات از طریق همکاری انرژی و زیرساختی مشترک) ۱۰- ادغام ایران در مجموعه جهانی و کاهش ترس از قدرت‌طلبی (افزایش اعتماد بین‌المللی با عضویت در ساختارهای تجارت و انرژی منطقه‌ای) ۱۱- تقویت توسعه در پیرامون ایران و کاستن از بی‌ثباتی (گسترش اثرات مثبت زیرساختی و اقتصادی به همسایگان) ۱۲- یاری به خیزش آسیا و پدید آمدن نظام چندقطبی جهانی (مشارکت فعال در پروژه‌های بزرگ همانند ابتکار "یک کمربند-یک راه")

۳-۳- لزوم باز آرای و تغییر نقش ایران در مناسبات انرژی

همان‌طور که اشاره شد دیپلماسی انرژی علاوه بر بُعد اقتصادی، دارای بُعد سیاسی-امنیتی نیز می‌باشد که در مناسبات انرژی، بعضاً این بُعد از بُعد اقتصادی نیز اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. حضور پررنگ دولت‌ها در مناسبات مرتبط با انرژی نیز حاکی از این واقعیت است. تجارت انرژی به علت ابعاد سیاسی-امنیتی آن، روابطی بین تولیدکننده، کشور واسط و مصرف‌کننده شکل می‌دهد که از هم گسستن آن از طریق تحریم، آسان نخواهد بود. این رابطه به ویژه در صورتی که بازار در شرایط انحصار نسبی باشد مانند بازار گاز، تشدید می‌شود. به علاوه، دیپلماسی انرژی کشور باید به گونه‌ای باشد که به عنوان یک ابزار مهم، زمینه ساز پیشبرد اهداف اصلی سیاسی کشور نیز باشد.

از طرفی در دو دهه اخیر با تغییر در نقشه تجارت جهان در حیطه‌های متعدد و همچنین تغییر در زنجیره‌های ارزش جهانی، بسیاری از معاملات و قراردادهای پیشین به سرعت در حال تغییر هستند. با این تغییرات، منافع ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی قدرتها نیز متحول خواهد شد و در نتیجه، این قدرتها درصدد بازآرای و بازچینش نظم جدید در جهت دستیابی به منافع بیشتر برای خود بر خواهند آمد. با توجه به این تحولات و اثرات آن بر عرصه انرژی، کشورهای واردکننده و صادرکننده انرژی نیز به دنبال ایجاد مناسبات جدید در روابط خود هستند؛ لذا معادلات انرژی در منطقه در حال تغییر و تحول است. به عنوان مثال، ترکیه به دنبال تبدیل شدن به هاب گازی بین اروپا و آسیا از طریق افزایش واردات از روسیه و نیز همکاری با ترکمنستان و آذربایجان برای احداث خط لوله ترانس کاسپین^۱ و توسعه میادین دریای خزر می‌باشد.

1. Trans-Caspian

ترکمنستان، خود علاوه بر پروژه ترانس-کاسپین، با پیگیری خط لوله تاپی¹ در صدد صادرات گاز به کشورهای پاکستان و هند از مسیر افغانستان است. رژیم صهیونیستی نیز با همکاری مصر در صدد صادرات گاز به اروپا برآمده است. همچنین عراق، با برنامه ریزی برای جمع آوری گازهای مشعل و واردات گاز و برق از کشورهای غیر از ایران و نیز پیگیری طرحهایی برای صادرات گاز و نفت از طریق خط لوله در همکاری با کشورهای حاشیه خلیج فارس، به دنبال کاهش وابستگی به ایران و افزایش نقش در عرصه انرژی منطقه است. روسیه نیز پس از کاهش حجم صادرات گاز توسط اروپا، به دنبال بازاریابی برای گاز خود به ویژه در مورد بازارهای جنوب آسیا (هند و پاکستان) است که می تواند بازارهای بالقوه ایران را تحت تأثیر قرار دهد. این وضعیت در حال گذار، در عین حال که می تواند فرصتی برای جابجایی جدید ایران در این عرصه محسوب شود، می تواند در صورت تعلل به تضعیف موقعیت فعلی کشور نیز بینجامد. بنابراین، واکنش فوری و مناسب برای جلوگیری از حذف ایران از معادلات انرژی منطقه امری ضروری است.

۴-پیشنهاها و راهکارها

به نظر می رسد با توجه به تأکیدات کلیدی بیانیه گام دوم و برای تقویت این دیپلماسی انرژی، تمرکز بر برخی شاخصهای بنیادی و تلاش برای اجرای به موقع آنها بسیار مؤثر خواهد بود. لذا می توان برای تقویت این دیپلماسی انرژی در شرایط تحریم، پیشنهادها و راهکارهایی را ارائه داد که در ذیل به آنها اشاره خواهیم کرد:

۴-۱- استفاده از رویکرد تازه دیپلماسی انرژی با تمرکز بر گسترش دامنه مشتریان

در رویکرد سنتی، تمرکز دیپلماسی انرژی بر مشتریان قدیمی است. اما رویکرد جدید بر این اصل استوار است که یک «سبد از مشتریان» شامل هم شرکای سنتی و هم مشتریان بالقوهی آتی در نظر گرفته شود.

۴-۲- خلاقیت در زمینه ابداع و کشف روش هایی برای فروش نفت با توجه به دیپلماسی مقاومت

تحریمهای شدید غربی باعث افزایش کنترل های پیچیده بر صادرات نفت ایران شده اند اما تجربه نشان داده که با اجرای روش های نوآورانه از جمله استفاده از ناوگان سایه " (shadow fleet)"، توسعه پالایشگاه پیرامونی، راهکارهای تهاجر غیرارزی و استفاده از یوآن چین و ریال ایران به جای دلار و سیستم SWIFT، می توان بخش زیادی از فشار تحریم را خنثی کرد.

۴-۳- بهبود شفافیت و انعطاف پذیری حقوقی

ایران با اصلاح سیاست های ضد پولشویی و تطابق با استانداردهای FATF و همچنین تقویت تعامل با چین در زمینه تبادل اطلاعات حقوقی و بانکی برای کاهش برخورد تحریمی، امکان جذب سرمایه گذاری مستقیم شرکت های چینی بزرگ (SOE) را می تواند فراهم می کند.

۴-۴- توسعه زیرساخت های ترانزیتی و گازرسانی

گنجاندن ایران در شبکه گاز چین از طریق گازرسانی منطقه ای و اتصال به مسیر West-East Pipeline برای انتقال گاز و نفت می تواند راهگشا باشد. مثل تقویت استان هایی مثل خوزستان با سرمایه گذاری چین در نیروگاه، بنادر و توسعه حمل و نقل دریایی و ریلی از طریق NDF و صندوق توسعه ملی.

¹. tapi pipe

۴-۵- فعال کردن دیپلماسی انرژی مبتنی بر استفاده از ظرفیت بنادر کشور

بنادر ایران ظرفیت های زیادی دارند که هنوز از آنها استفاده نشده است. به عنوان مثال با توجه به ویژگی های منحصر به فرد بندر چابهار، از جمله دسترسی به اقیانوس هند، جایگاه کلیدی در کریدور بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC)، و سرمایه‌گذاری مشترک با هند و افغانستان ضرورت دارد دولت سیاستی ویژه برای احیای این بندر اتخاذ کند. این تحول، ضمن کاهش خلا جمعیتی و تقویت امنیت، توان مقابله با ورود کالاهای غیرقانونی را افزایش خواهد داد و می‌تواند به عنوان یک اهرم مهم در حوزه دیپلماسی اقتصادی و انرژی ایفای نقش کند.

۴-۶- ایجاد تاب‌آوری ساختاری و اقتصاد مقاومتی

توسعه مولفه‌های «اقتصاد مقاوم» با تمرکز بر خودکفایی، کاهش وابستگی نفتی، تقویت تولید داخلی و استفاده از ارزهای غیر دلاری و همچنین استفاده از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری چین برای مقاومت اقتصاد در برابر شوک‌های تحریمی و سیاست‌های آمریکا می‌تواند موثر باشد.

۴-۷- توسعه مشارکت در انرژی‌های تجدیدپذیر

اجرای پروژه‌های خورشیدی، بادی و نیروگاه‌های سیکل ترکیبی با همکاری شرکت‌هایی مانند Gezhouba و Power China در قالب Group، مهندسی، تامین و ساخت و همچنین ایجاد صندوق سرمایه‌گذاری مشترک برای انرژی‌های پاک و انتقال فناوری و دانش فنی.

۵- نتیجه

جذب سرمایه‌های هنگفت و انعقاد توافق‌نامه‌های بلندمدت تأمین انرژی با کشورها، می‌تواند برای ایران دستاوردهای زیادی به همراه داشته باشد. زیرا کشورهایی که در پروژه‌های نفت و گاز ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند، به دلیل حجم چشمگیر سرمایه‌گذاری و سود حاصل از آن، منافع امنیتی و ملی ایران را با منافع خود گره می‌زنند. مناسبات اقتصادی ایران با چین و اروپا، گذشته از سود فراوان، می‌تواند زمینه را برای انتقال تکنولوژی به کشور را نیز فراهم سازد و وزن ایران را در بازار، به عنوان تأمین کننده ای مطمئن برای اروپا افزایش دهد.

با توضیحات ارائه شده و با توجه اینکه دو کشور چین و ایران که دارای قدرت اثرگذار و مهم در آسیا هستند، تقویت کمربند-جاده ابریشم، بین این دو کشور نه تنها برای دو ملت ثمربخش خواهد بود بلکه پشتیبانی مفیدی برای برقراری پیوند بین کشورها و تحقق هدف توسعه مناسبات مشترک در منطقه آسیا را نیز فراهم خواهد کرد و مردم منطقه خواهند توانست از ثمره این توسعه بهره مند شوند. لذا با توجه به ویژگی های دو کشور ایران و چین و نیز مناطق مورد نظر در ابتکار یک کمربند یک راه، می‌توان به نیازهای متقابل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بین ایران و چین و محیط پیرامونی توجه نمود که خود سبب ایجاد وابستگی متقابل و همچنین ساخت یک سازه ژئوپلیتیکی مشترک بین این کشورها شده و این امر بر قدرت تحرک ایران در مقابل غرب و نیز قدرت چانه زنی در سطح بین الملل می‌افزاید.

مجموع عوامل بالا، سبب ایجاد شبکه هم پیوند ژئواکونومیکی می‌شود که منافع ایران و کشورهای بزرگ آسیایی به ویژه چین را افزایش داده و سبب کاهش اثر فشارهای تحریم و انزوای ژئوپلیتیکی می‌شود که البته این، در گرو رعایت دقیق اصول مذاکره، امتیازگیری، موازنه گری بین رقبای اقتصادی و خروج ایران از فشارهای کنونی می‌باشد؛ از طرفی، بسترهای ژئواکونومیکی مانند ابتکار کمربند-راه در قالب زیر قراردادهایی مانند توافق همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، سبب ایجاد وابستگی متقابل بین ایران و چین و سایر کشورهای درگیر در این ابر پروژه می‌شود که به صورت خودکار، ساختار

ژئواکونومیک با سطح بالای وابستگی متقابل بین دولت ها و شرکت ها و نهادهای درگیر در آن را ایجاد نموده و هزینه تحریم و انزوای ژئواکونومیک ایران برای رقبای غربی را بالا می برد.

از طرفی، انجام توافقاتی مانند توافق همکاری جامع ۲۵ ساله با چین، چشم انداز مناسبی دارد که مبتنی بر واقعیت های متقابل ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی است و می بایست از توافقات دو و چند جانبه به این شکل با سایر قدرتهای اقتصادی آسیایی نیز استقبال کرد. اما همزمان، می بایست با محاسبه دقیق و رصد چالشها، مانع از بروز تهدیدات نو ظهور برای جایگاه ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی کشور شد. و در نهایت باید به این موضوع نیز اشاره کرد که در دو دهه اخیر، با توجه به تغییرات در نقشه تجارت جهان در حیطه های متعدد و اثرات آن بر عرصه انرژی، که طبعاً با این تغییرات، منافع ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک قدرتها نیز متحول خواهد شد کشورهای واردکننده و صادرکننده انرژی نیز به دنبال ایجاد مناسبات جدید در روابط خود هستند؛ لذا معادلات انرژی در منطقه در حال تغییر و تحول است و هر گونه فرصت سوزی در این زمینه غیر قابل جبران خواهد بود.

منابع

- آجیلی، هادی و دیگران (۱۳۹۶). "امنیت انرژی چین در راستای یک کمربند یک جاده". فصلنامه شهرضا. ش ۳۲. صص ۹۲-۶۱.
- اخباری، محمد (۱۳۸۷). «تحلیل روند ژئوپلیتیک در نظام بین الملل»، راهبرد دفاعی، سال ششم، شماره ۲۰، تابستان.
- آدمی، علی و الهام کشاورز مقدم (۱۳۹۲). "نقش ژئواکونومی انرژی در پیوند ایران و چین"، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی، ش ۱۴، صص: ۷۵-۱۰۴.
- ارغوانی پیرسلامی، فریبرز (۱۳۹۴). "چین و ایران، راهبرد های سیاست خارجی و چالش همکاری فراگیر"، فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، ش ۳، صص: ۹۲-۶۳.
- اسلامی، مسعود و غریبی، محسن. (۱۳۹۷). "ژئواکونومی نوین انرژی و پیامدهای آن بر امنیت انرژی جهان". فصلنامه سیاست خارجی. ش ۲. صص: ۷۱-۱۰۲.
- اطاعت، جواد و حمید رضا نصرتی (۱۳۹۰). "نفت و ژئواکونومیک و امنیت ملی ایران"، فصلنامه علمی-پژوهشی فضای جغرافیایی، سال یازدهم، ش ۳۶، صص: ۱۰۲-۶۵.
- امیراحمدیان، بهرام و روح اله صالحی دولت آباد (۱۳۹۵). ابتکار "جاده ابریشم جدید" چین (اهداف، موانع، چالش ها)، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال نهم، ش ۳۶.
- بهنیا، احمد رضا و همکاران (۱۳۹۴). "بررسی نقش دیپلماسی انرژی در توسعه ملی و اقتصادی ایران"، اولین همایش ملی پژوهش های کاربردی حسابداری، مدیریت اقتصاد، دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی و احد دامغان.
- پور احمدی، حسین و ذولفقاری، مهدی (۱۳۸۹). "دیپلماسی انرژی، منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران". مجموعه مقالات نفت و سیاست خارجی. به سفارش پژوهشکده راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- پیرسلامی، فریبرز و پیرانخو، سحر (۱۳۹۶). "جاده ابریشم نوین به مثابه راهبرد نوین چین: فرصتها و تهدیدها برای ایران". فصلنامه روابط خارجی. سال نهم. ش ۳. صص: ۴۲-۷.
- خداقلی پور، علیرضا (۱۳۹۶). "ابتکار کمربند- راه چین و تاثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۱، صص: ۴۹-۱۷.
- سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۵). "بررسی جامع روابط دوجانبه ایران و چین"، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۱۴۸۲۵، صص: ۲۲-۱.
- شریعتی نیا، محسن (۱۳۹۵). "کمربند اقتصادی جاده ابریشم: زنجیره ارزش محور"، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره سوم، پاییز، صص: ۱۱۳-۸۵.

-شریعتی، محسن و عزیزی، حمیدرضا (۱۳۹۶). "همکاری ایران و چین در کمربند اقتصادی جاده ابریشم" فصلنامه روابط خارجی. سال نهم. ش ۴. صص: ۷-۲۹.

-شفائی، مسعود و گلتاب دارابی (۱۳۹۰). "اهداف و ابعاد دیپلماسی انرژی چین"، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، ش ۴.

-عزتی، عزت ا... و محمد گل افروز (۱۳۹۲)، "راهبرد قدرت هوشمند ایران و نقش ژئوپلیتیک ایران (نفت و گاز) در پیشبرد آن"، چشم انداز جغرافیایی در مطالعات انسانی، سال هشتم، ش ۲۴، صص: ۳۹-۵۳.

-علیخانی، فرشاد. (۱۳۹۰). "منشور دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران"، مجموعه مقالات همایش جهاد اقتصادی.

-کی پور، جواد. (۱۳۸۸). "دیپلماسی انرژی و منافع ملی ایران در جهان"، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، ش ۴.

-گل افروز، محمد (۱۳۹۴). "نقش ژئوپلیتیک انرژی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران". فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست جهانی. دوره چهارم. ش ۳.

-گل کرمی، عابد و دیگران (۱۳۹۷). "تبیین ژئوپلیتیک ایران با تاکید بر قابلیت‌های ژئواکونومیک" نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. ش ۴۹. صص: ۲-۲۱.

-یزدانی، عنایت ا.. و شاه محمدی، پریسا (۱۳۹۳). "بررسی وجوه مثبت و لزوم پویایی ایران در ابتکار کمربند اقتصادی از نظر مکتب کپنهاگ"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ش ۸۸، صص: ۱۶۶-۱۴۱.

- Ahmad, M., Tahir, A., & Zahir, S. (2017). "The US Factor in Pakistan-Iran Relations: New Dimensions." *Journal of Political Studies*, 24: 295-3
- Amighini, A., ed. (2017). *China's Belt and Road: A Game Changer?* Milan: Italian Institute for International Political Studies.
- Arif, A. (2018). "Gawadar and Chabahar: Implications for the Region." Issue Brief, 3 June. Karachi: Institute of Strategic Studies.
- Bernstein, R., & Ross, H. M. (1997). *The Coming Conflict with China*, New York. China's Economic Rise: History, Trends, Challenges, and Implications for the United States, Updated June 25, 2019, *Congressional Research*.
- Cooper, R. N. (2016). Economic Interdependence and War, In: Richard, N., Rosecrance, R.N., Miller, S.E. (eds), *The Next Great War? The Roots of World War I and the Risk of U.S.-China Conflict*. Cambridge, MA: MIT Press, Google Scholar
- Copeland, D. C. (2017). *Economic Interdependence and War*, Princeton, NJ: Princeton University Press. Google Scholar.
- Dumbaugh, K., & Michael, F. M. (2009). *Understanding China's Political System*, CRS Report for Congress Prepared for Members and Committees of Congress, Congressional Research Service.
- Erdbrink, T. (2017). "For China's Global Ambitions, 'Iran Is at the Center of Everything.'" *New York Times*, 25 July.
- Kembayev, Z. (2018). "Implementing the Silk Road Economic Belt: From the Shanghai Cooperation Organisation to the Silk Road Union?" *Asia Europe Journal*
- Lu, J. (2018). "'Economic Cooperation between China and Iran from the Perspective of 'the Belt and Road'". *Alabo Shijie Yanjiu [Arab World Studies]* 2016: 21-34.
- Yu, H. (2017). "Motivation behind China's 'One Belt, One Road' Initiatives and Establishment of the Asian Infrastructure Investment Bank." *Journal of Contemporary China* 26: 353-368.